



کاسبی امروز با قدیم، خیلی فرق کرده است

سنگ بری پهلوان غلامی در شهر سنگ، معروف است. او که قدیمی ترین کارخانه دار شهر سنگ بوده، سال ۸۷ فوت کرده است و حالا پسرانش عهده دار حرفه پدر هستند. کارخانه خاندان غلامی، حالا به شهرک صنعتی چناران منتقل شده است و جای کارخانه، قرار است نمایشگاه فروش سنگ دایر شود. در حال حاضر اسکلت این نمایشگاه بالا آمده است. با مجید غلامی داخل دفتر فروشش وارد گفت و گومی شویم. روی یکی از دیوارها قاب های عکس سیاه و سفید زیادی نصب شده است که پهلوان غلامی را در حال کشتی گرفتن نشان می دهد. مجید غلامی می گوید: «پدرم در جوانی، سنگ کار بود. سال ۵۱ و وقتی ۳۵ سال داشته، با همان پول کارگری و زحمت کشتی، زمین اینجارا می خرد و شروع به تاسیس کارخانه می کند تا اینکه در سال ۵۳ کارخانه افتتاح می شود.»

خود مجید آقا بعد از گرفتن دیپلم، وارد حرفه پدری می شود و حالا جزو معدود کاسبانی است که نسبتا از شرایط کارش راضی است. رضایت او چند دلیل دارد؛ در واقع غلامی در وضعیت بازار کساد فروش سنگ، توانسته است مسیر جدیدی را برای پیشرفت و جذب مشتری در پیش بگیرد. او حالا علاوه بر فروش سنگ پلاک، با تولید انواع مختلف سنگ های نمای ساختمان، توانسته است پای مشتری را به مغازه اش باز کند. می گوید: «حدود یک سال است که استفاده از سنگ های نما در بین مردم رواج پیدا کرده است؛ الان کسب و کار با قدیم خیلی متفاوت شده است. در گذشته پدر ما که بین کار می خوابید و مشتری می آمد، به او می گفتند منتظر بمان تا حاج آقا بیدار شود و لیست شما را یادداشت کند. سفارش هم که می گرفتیم، یک ماه تا ۴۵ روز طول می کشید که نوبت تحویلش برسد اما حالا اوضاع جور دیگری است. یعنی باید طوری با مشتری بر خورد کنی که بعد از اینکه به کارگاہت پامی گذارد، به هیچ عنوان، دست خالی بیرون نرود.»



تمام ایران، غبطه بازار مشهد را می خورد

غلامی معتقد است که در همین بازار خراب هم اگر با مشتری خوب تا کنی، می توانی روی پای خودت بایستی؛ «تمام ایران - در صنف ما - غبطه بازار مشهد را می خورند. درست است که اصفهان از نظر تولید سنگ، حرف اول را در ایران می زند، اما به گفته خود کارخانه داران اصفهان، ۷۰ درصد تولید آن ها به مشهد می آید و بیشتر آن ها در شهر ما نمایندگی دارند؛ چون بازار ساخت و ساز مشهد نسبت به شهرهای دیگر رونق بهتری دارد و بنام است.»

او یکی از دلایل موفقیتش را شهرت نیکوی پدرش می داند؛ «پدرم کشتی گیر بود و در شهر سنگ، به پهلوان غلامی معروف. او با همان روحیه پهلوانی با مشتری و مردم برخورد می کرد. اگر نمونه سنگی به مشتری نشان می داد، همان را دستش می داد. اگر ۱۰۰ متر سنگ می فروخت، موقع تحویل، کم و زیادش نمی کرد. ما الان برخلاف بسیاری از کاسب های شهر سنگ که تعداد زیادی بازار یاب دارند، نه بازار یاب داریم و نه تبلیغات خاصی می کنیم. مشتری ها به خاطر شناختی که از قدیم از ما داشته اند، به اینجا مراجعه و به ما اعتماد می کنند.»

غلامی که در دوره قبل، عضو هیئت مدیره بوده است، از وضعیت اقتصاد بیمار شهر سنگ و نحوه کار کردن بعضی همکارانش، ناراضی است؛ «متأسفانه الان به قدری بازار سنگ آشفته شده است که تعدادی از همکاران ما از اصفهان، سنگ می خردند و آن را اینجا زیر قیمت خریداری شده می فروشتند. چک اصفهان را هم پاس نمی کنند. همین موضوع باعث شده است در طول یک ماه، بیش از ۳۰ شکایت از کارخانه داران اصفهان به اتحادیه برسد. درست است که کسب و کار سخت شده است، اما همکاران ما با این کار، مشهدی ها را زیر سوال می برند و وقتی مثلاً من برای خرید به اصفهان می روم، آن ها همه را با یک چوب می زنند و می گویند مشهدی ها مطمئن نیستند.»



از هفت سالگی کار کردم، آخرش هیچی!

علی طهماسبی و ناصر بلوکی نژاد با هم شریک هستند و حال و روز کاسبی شان هیچ خوب نیست، حتی اجاره چندمیلیونی مغازه شان را هم به سختی در می آورند. با همه این ها، طهماسبی می گوید چاره ای جز ادامه دادن ندارند. می گوید هر کارگاهی حدود ۱۰ هزار متر سنگ دارد که اگر تعطیل کند، باید برای انبار آن ها باز جایی را اجاره کند، پس به ناچار همین جامی ماند؛ «به خاطر خرابی بازار، من و همکارانم سنگ ها را زیر قیمت بازار می فروشیم تا جواب گوی چهار تا چک و سفته بازار باشیم.»

ناصر بلوکی نژاد از هفت سالگی، کنار دست برادرش، ساخت و تعمیر دستگاه های سنگ بری را یاد گرفته است. یکی از بهترین های این حرفه در مشهد بوده، اما حالا هفت سالی می شود که کارش را رها کرده و شده است سنگ فروش؛ «بازار مشهد کشتش نداشت که این کار را ادامه بدهم. از کارخانه دارها حمایت نشد و صنعت ساخت دستگاه هم کم کم جمع شد. حالا اصفهان حرف اول را می زند و دستگاه های پیشرفته سنگ بری را دارد. گذشته از آن، صنعت ساخت دستگاه سنگ بری، متعلق به ایتالیاست و دستگاه های ایران، کیفیت آن چنانی ندارند.»

بلوکی نژاد یک تجربه تلخ را هم از سر گذرانده که دلیل دیگری برای رها کردن تخصصش در زمینه ساخت و تعمیر دستگاه بوده است؛ «حدود هشت سال پیش در تپه سلام کارگاه داشتم. آنجا کار گرم لای دستگاه رفت و فوت کرد. بیمه نبود و من مشکلات زیادی را از سر گذراندم. افسردگی گرفتم و انگیزه هایم از بین رفت. من فقط تا کلاس اول درس خواندم و بعد درس را رها کردم تا کار کنم. این همه زحمت کشیدم، آخرش هم نتیجه ای نگرفتم و حمایتی از صنف ما نشد. تا وقتی وضعیت خرید و فروش ساختمان خراب باشد، وضعیت بازار ما هم همین است؛ البته به جز ما، شغل های زیاد دیگری هم هستند که رونقشان به بازار ساخت و ساز بستگی دارد و الان همه کساد شده اند.»



بی اعتمادی به چک های مردم

شهر سنگ مشهد را که بگردی، در میان کارگاه های بسیار زیاد فروش سنگ، به تعداد محدودی کارگاه حکاکی نیز برخورد می کنی که تعدادشان به ده تا هم نمی رسد. در بین این تعداد، تنها کارگاهی که به صورت کلی و عمده فروشی، حکاکی روی سنگ را انجام می دهد، دست و حید شیر محمدی و کریم غلامی است. آن ها صاحب دستگاه ابزار زنی هستند که قیمتش ۱۲۰ میلیون تومان است. یک سال است که آن ها با این دستگاه کار می کنند و هر سفارشی را می پذیرند و از شرایط اقتصادی شان تا حدودی راضی هستند.

نرده، گل، شومینه، کباب پز و آب نما و انواع نمای ساختمان از سفارش های پذیرفته شده ای است که نمونه های آن را می توان در کارگاهشان دید. شیر محمدی می گوید: «الان یک سال است کار با این دستگاه را شروع کرده ایم. قبلاً همه را با فرزند دستی انجام می دادیم و خیلی سخت بود؛ مثلاً اگر الان با دستگاه، روزی ۶۰ قطعه را تحویل می دهیم، با فرزند دستی بیشتر از ده تا را نمی توانستیم تحویل بدهیم.»

علاوه بر این ها، یک سنگ نمای ساختمان هم در کارگاه دیده می شود که کاملاً کار دست است و با قلم و چکش آماده می شود. شیر محمدی در این باره می گوید: «۱۰ روزی هست که چند نفری داریم روی این نما کار می کنیم. اوایل که این کار را انجام می دادیم، کم می آوردیم اما حالا دست هایمان قوی شده است.»

وضعیت بیمار بازار سنگ نه تنها روی معاش صاحبان این صنف تاثیر گذاشته، خریداران را هم تاراند؛ چرا که حالا کمتر کاسبی اعتمادی می کند از مردم چک قبول کند. به گفته فروشنده ها اگر در گذشته ۹۰ درصد چک ها پاس می شد، حالا احتمال پاس شدن چک ها ۳۰ درصد است و نمی توان از هر خریداری چک قبول کرد و این یعنی تا چرخه اقتصادی درمان نشود، وضعیت بازار همین گونه خواهد ماند.

شاید در مشهد

حدود پنج

کارخانه، دستگاه

اره داشته باشند،

در حالی که

حالا در شهر

اصفهان بیش از

۱۰۰ کارخانه،

صاحب این

دستگاه هستند،

چون از صنف

سنگ تراش های

این شهر حمایت

شده است

